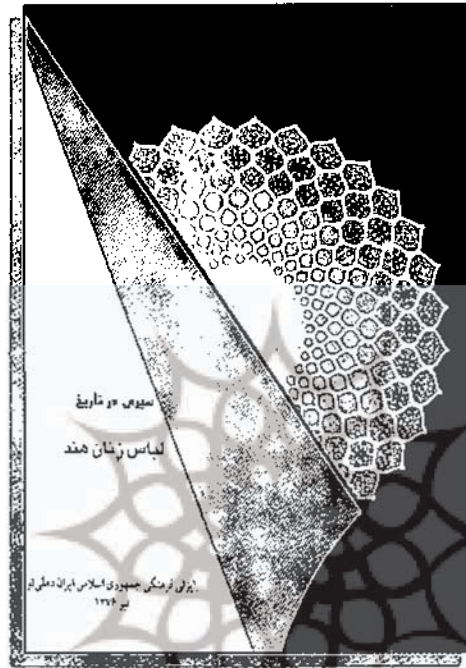


# لباس مسلمانان در شبه قاره هند

● نزهت شاکری

■ سیری در تاریخ لباس زنان هند  
■ رایزنی فرهنگی ج.ا. ایران در دهلی نو



تمدن ایران بوده است که آثار آن در معماری و هنر آن دوران به روشنی هویداست.

از دیگر عوامل این دوران همسایگی حکومت پارتیان و دوستان یونانی آنان در ناحیه باکتریا بوده است که گفته می‌شود لباس ساری (Sari) اقتباس روشنی از مدل یونانی پالا (Palla) می‌باشد.

یکی دیگر از عواملی که نقش مهمی در لباس و هنر مردم هند، بویژه نواحی شمالی آن داشته است، توسعه سرزمین ایران در دوره ساسانی است که همجواری با مرزهای هند را به دنبال داشت. نفوذ فرهنگ و هنر ساسانی در آثار این دوره در زمینه لباس، بسیار به چشم می‌خورد. در نقاشی‌ها و مجسمه‌های مختلف این دوره (همزمان با دوران گوپتا) سبک لباس و تزیینات و آرایش ساسانی جایگاه ویژه‌ای دارد.

د) ورود اسلام به شبه قاره هند: اولین گروه‌های سپاه اسلام در نیمه دوم قرن هفتم (۶۶۴ م) (قرن اول هجری) به درون مرزهای شرقی هند نفوذ کردند و در کنار رود سن ساکن شدند. اما برای اولین بار در اواخر قرن دهم میلادی (۹۹۷ م / چهارم هجری) «سلطان محمود غزنوی» توانست از طریق مرزهای شمالی به داخل هند نفوذ کند و طی چند سال در هرزمنستان با هجوم به معابد و مراکز بزرگ هندو در شمال و غرب هند، غنائم فراوانی را برای سربازان و حکومت خود به دست آورد. اگرچه نفوذ مسلمانان به صورت دائم و ایجاد یک

سوی هند سرزیر شدند و به تدریج از نواحی شمالی هند در بیشتر مناطق مرکزی و غربی و بعدها در سراسر هند پراکنده شدند. آریایی‌ها دامپروان متمدنی بودند که نسبت به لباس و حتی انواع دوخته شده آن اطلاعات و مهارت کافی داشتند.

با ورود آریایی‌ها به هند کم‌کم دوره ودایی هند آغاز گردید. دوره‌ای که در آن فرهنگ و هنر و ادبیات رشد نمود و بسیاری از نوشته‌ها و سروده‌های هندی مانند ریگ‌ودا به تحریر درآمد. در این دوره لباس برای دور کمر، بالاتنه و شال بود که با تکامل آن دوتی (Dhoti) و چولی (Choli) به وجود آمد. روسری و شال نیز به صورت نوعی دستار و عمامه تکامل پیدا کرد.

ج) نفوذ فرهنگ‌ها و تمدن‌های مجاور در قرون بعد از ۴-۵ قبل از میلاد: همزمان با شروع تمدن دوره موریان و بخصوص حاکمیت شاه مقتدر این دوره، آشوکا (Ashoka)، ارتباطات این کشور با سایر تمدن‌های مجاور بیشتر شد. دوران شاهنشاهی هخامنشی سیر تکاملی خود را پیموده بود و دستاورد آن در لباس و هنر به نهایت اوج رسیده بود و بر اساس آثار و شواهد تاریخی، آشوکا بسیار تحت تأثیر این دوره از فرهنگ و

لباسی که مردم شبه قاره هند می‌پوشند، بسیار ساده است و در طی قرون متمادی به تدریج تغییر و تکامل یافته است. در ابتدا لباس، بدون دوخت بود و به دور بدن پیچیده می‌شد و تفاوت لباس مردانه و زنانه تنها در اندازه و جنس مواد مصرفی و نحوه پیچیدن و گره زدن آن بوده است. در ابتدا لباسی که در سرتاسر شبه قاره پوشیده می‌شد، تقریباً اساس یکسانی داشت، اما در این چنین منطقه وسیعی با داشتن جمعیت زیاد و آب و هوای مختلف و فرهنگ‌ها و مذاهب گوناگون، اختلاف‌های اندک موجود در نحوه پوشش کاملاً طبیعی به نظر می‌رسید. مثلاً در شمال به دلیل آب و هوای سرد، مردم غالباً ترجیح می‌دادند از لباس‌های دوخته شده استفاده کنند.

در نوع پوشاک مردم شبه قاره هند عواملی چند نقش مهمی داشته‌اند:

الف) پیدایش تمدن موهنجودارو: این تمدن برگرفته و متأثر از دیگر تمدن‌های متقدم مثل عیلام و بین‌النهرین و نیز تمدن‌های ناحیه بلوچستان و شهر سوخته بوده است که در حدود ۲۵۰۰ تا ۱۵۰۰ ق.م منطقه بسیار وسیعی از هند و پاکستان امروزی با ابعادی در حدود ۱۹۰۰×۹۶۰ کیلومتر را در برگرفته بود.

ب) ورود آریایی‌ها به هند در بین قرون ۱۶ و ۱۵ ق.م: این گروه از مردم متمدن از حاشیه دریای خزر و نواحی شمالی آن و از جایی که آن را ایران ویج می‌خوانده‌اند به

حکومت در این سرزمین نبوده است، اما بی شک با ورود خود بخشی از فرهنگ و هنر و پوشاک را به هند معرفی نمودند.

در سال ۱۱۸۶ م «غوریان»، که طایفه‌ای ترک نژاد افغانی بودند، وارد هند شدند و با فتح دهلی، اولین حکومت رسمی مسلمانان را بنا گذاشتند. این دوران که به دوره «سلطنت» معروف است، به مدت پنج قرن بر دهلی و نواحی شمالی و غربی هند ادامه یافت و به طور کلی شامل دوران «مملوک» (Mamluks) خلجی (Khalji) تغلق (Tughlaq) و لودهی (Lodhi) است.

با توجه به رشته و اصل این حکومت‌ها می‌توان دریافت که نوع لباس رایج این دوره تقریباً منطبق با انواع ایرانی و افغانی آن دوران بوده است. هرچند که از این دوران هیچ‌گونه آثار نقاشی در هند به جای نمانده است.

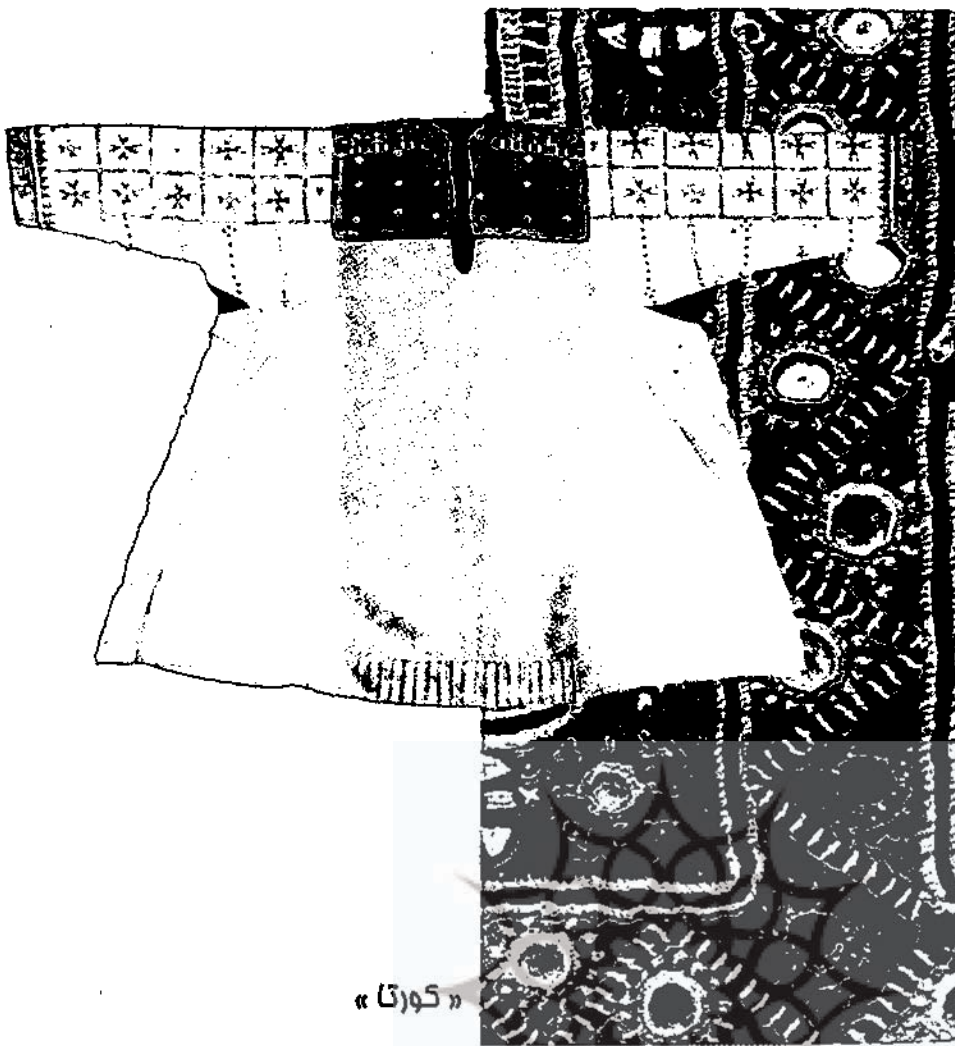
در سال ۱۵۲۶ میلادی «بابر» حاکم کابل بر سلسله لودهی، هجوم آورد و با قتل ابراهیم لودهی آخرین شاه دوران سلطنت، دهلی را به تصرف درآورد و سلسله جدید مغول در هند را پی‌ریزی نمود. نفوذ فرهنگ و هنر اسلامی ایرانی که در آن زمان در ایران به اوج خود رسیده بود، در این دوره به حد اعلای خود رسید و همچنان که از شواهد تاریخی پیداست، انواع هنرهای ایرانی بلافاصله به شبه قاره راه یافت و در ظرف مدت کوتاهی به تمام نقاط این سرزمین رسید.

با ورود مسلمانان به شبه قاره فرهنگ پوشاک و لباس خاص آنان کم‌کم جوامع مختلف هندی را در بر گرفت. این اقوام، لباس‌های دوخته شده از قبیل کت و شلوار را با خود آوردند که در مناطق کوهستانی، همراه چکمه می‌پوشیدند. کت در هند، دارای سابقه طولانی است و در طی قرون، تفاوت‌های زیادی نموده است. کت در اواخر قرن ششم قبل از میلاد توسط پارسیان معرفی شد و همین سبک بود که اسب سواران جنگجوی شمال هند از آن اقتباس نمودند. کت جمل (Jama) که توسط فاتحان مغول که کابل افغانستان را در سال ۱۵۲۵ فتح کردند پوشیده می‌شد، کت بلندی بود که دامن بسیار پرچینی داشت.

این نوع کت در قسمت پیش سپینه دولا بود، به طوری که روی هم آمده و با نوارهای بلندی زیر شانه راست بسته می‌شد. روی آن کمربندی استفاده می‌شد که جنس خوب و تزیینات گوناگون داشت. زیر این لباس، شلوار نخی سفیدی پوشیده می‌شد که در مچ پا جمع می‌شد و به همراه دمپایی‌های چرمی گلدوزی و استفاده می‌گردید و بر سر خود دستارهایی مزین به جواهرات، می‌گذاشتند.

کت یا پالتوهای مختلف دیگری نیز وجود داشت، از قبیل کت ضخیم روستاییان به نام «میرزایی» (Mirzai) و «جبه» (Jubba)، که کت بلند و گشادی بوده است. امروزه نیز به عنوان لباسی کاملاً رسمی برای مردان سطح بالا، پوشیدن کت بلند به همراه شلوار نه چندان گشاد، رایج است و زنان نیز ساری و یک بلوز نیم تنه و یا پیراهن بلند با یک شلوار گشاد می‌پوشند.

منبع اصلی پژوهش پیرامون پوشش مردم در دوران مختلف اساساً ادبیات و منابع باستان‌شناسی است؛



« کورتا »

زنان دربار مغول، هنگامی که وارد هند شدند لباس‌های بلند، کلاه و شلوار پوشیده بودند. بلوز کوتاهی که از زیر می‌پوشیدند، کارتیجی (Kartiji) نام داشت و تا روی کمر می‌آمد. ژاکتی به نام نیم تنه (Nimtana) در مواقعی خاص، روی لباس می‌پوشیدند که تقریباً شبیه جلیقه بود.

جلوه این لباس‌ها به همراه گلابتون و مروارید دوزی بسیار زیاد بود. سر توماس روی (Sir Thomas Roe) که ملکه نور جهان را ملاقات کرده بود، می‌نویسد: «اگر هیچ چراغ دیگری هم نبود، الماس‌ها و مرواریدهای لباس او کافی بود که هویدا شود.»

در این دوره ارتباط زنان دربار با زنان هندوی رده بالا بسیار زیاد بود و در جشن‌ها و مراسم مختلف زنان دربار، همسران هندوها نیز دعوت می‌شدند. پادشاهان مغول بازارهایی ترتیب می‌دادند که مخصوص هم فروشندگان زن و هم خریداران زن بود. مجالس شعرخوانی مخصوص بانوان نیز برگزار می‌گردید و تمامی اینها باعث شد که زنان هندی که با دربار دهلی در ارتباط بودند و همچنین زنان رده بالای راجپوت‌ها در شمال هند، بسیار سریع سبک پوشش مغولی را اقتباس کنند که هم اکنون تصاویر آنها در نقاشی‌های مکتب قدیمی کانگرا (Kangra School) جاودانه شده است.

علاوه بر روسری که برای پوشش سر استفاده می‌شد، شلوار تنگ و یک لباس بسیار اشرافی به نام

گرچه محققان ترجیح می‌دهند، بیشتر با تکیه بر منابع باستان‌شناسی اظهار نظر کنند تا ادبیات، چرا که در ادبیات غالباً اغراق و گزافه نیز یافت می‌شود.

این تحقیق، ارائه گزارشی از سیر تحول تاریخی لباس زنان هند است. با توجه به گستردگی منابع و مأخذ و تنوع بسیار لباس، سعی شده است که از پرداختن به فلسفه تغییرات لباس و تأثیر هر دوره از حکومت‌های این سرزمین و بسیاری از مباحث دیگر مانند لباس مردان، تزیینات و آرایش خودداری شود تا بتوان در این مجموعه کوچک، طرحی از کلیات لباس زنان هند ارائه گردد.

## دوره مغول (۱۵۰۰ میلادی الی ۱۸۰۰ میلادی)

آنچه مشخص است انواع لباس‌هایی که به آنها اشاره می‌شود، فقط منحصر به افراد مرفه و سطح بالای کشور بوده و آن‌گونه که در سال ۱۵۱۹ میلادی، بابر (اولین پادشاه مغول) در خاطرات خود نوشته است، توده عظیمی از مردم، فقیر و کاملاً عریان بودند: «آنها لانگوتی می‌پوشند که تکه پارچه‌ای است که از میان پاها رد می‌شود و زنان هم لانگ (Lang) دارند که یک سر آن به دور کمر و انتهای دیگر آن را به روی سر خود می‌اندازند.»





« ابو » و « تیلک »

زمان از دو قسمت تشکیل شده بود؛ قسمتی برای پوشش پایین تنه که لنگی (Lungi) نامیده می‌شد که عبارت بود از پارچه نخی سفید که به دور بدن می‌پیچیدند و تا مچ پا بلندی داشت و گاهی اوقات یک طرف آن کوتاه‌تر از طرف دیگر بود. قسمت دیگر، پارچه‌ای از جنس وال بود که از روی شانه راست و از زیر بازوی چپ می‌گذشت و به دور بدن پیچیده می‌شد. در این دوره پوشاندن سر به عنوان یک آداب اجتماعی درآمده بود و حتی دختران که برای رقصیدن به دربار آورده می‌شدند، بدون حجاب یا مقنعه‌ای (Maqna) که هنگام رقص روی صورت آنها قرار می‌گرفت، نبودند. برای زنان هندو و مسلمان پوشش هر چه ضخیم‌تر نوعی احترام و تشخص محسوب می‌شد. و برای زنی از طبقه قابل احترام، ظاهر شدن در اجتماع بدون حجاب مایه حقارت بود. با این شرایط، به نظر می‌رسید که زیورآلات نباید دیگر میان زنان چندان رایج باشد، در صورتی که این‌طور نبود و زنان در خانه‌هایشان هنگام انجام کارهای منزل از زیورآلات استفاده می‌کردند. به طوری که در اشعار این دوره، به ۹

کردند، ولی ژاکت آنها چیزی جدای از لباس نبود و همان بالاتنه پیشواز را با حاشیه زیبا تزئین می‌کردند و همراه آن از روسری وال که تا پایین کمر می‌آمد، استفاده می‌شد. لباس سنتی راجپوت‌ها در طی چندین صد سال، بدون تغییر باقی ماند که عبارت بود از: گاگرا یا پیراهن کنجلی (Kanchli) برای پوشش قسمتی از بالاتنه و دوپتی (Dopatti) یا روسری که به روی سر می‌انداختند. تحت تأثیر مغول‌ها، دامن‌ها، که قبلاً بسیار کوتاه بودند به دامن‌های بلند، تغییر شکل دادند و با وجود آن که زیورآلات پا را، با دامن بلند نمی‌شد به نمایش گذاشت، ولی همچنان زنان میل شدیدی به پوشیدن دامن‌های بلند پیدا کرده بودند. دامن‌های بلند با چین‌های ریز در نقاشی‌های این دوره راجپوت‌ها دیده می‌شود. راجپوت‌ها، چولی بسیار تنگ با آستین‌های کوتاه می‌پوشیدند و استفاده از شال کمر در تمام نقاط هند رایج بود. با توجه به نوشته‌های قرن هیجدهم، ساری در آن

جاگولی (Jaguli) نیز وجود داشت که در یقه و کمر بسته می‌شد و فاصله این دو باز بود. جاگولی، آستین‌های مچی تنگ و دامن بلند داشت. پوشیدن این لباس هنوز هم در بین افرادی که رقص کاتاک (Kathak) می‌کنند و بعضی از افرادی که تمایل به حفظ سنت قدیمی دارند، دیده می‌شود. ردای بلندی که پیشواز می‌نامیدند (Peashwaz) بسیار شبیه جاگولی بود و از کمر تا پایین لباس در قسمت جلو چاک داشت. این چاک باعث می‌شد که الزاماً نوعی شلوار پوشیده شود. در گجرات، زنان از زیر پیشواز، زیردامنی می‌پوشیدند. نقاشی‌های گجرات در این دوره، معمولاً زنان را با پوشش شلواری که از روی آن دامن نازکی به تن کرده‌اند، نشان می‌دهد. به خاطر آسانی در پوشش و کم کردن مقدار گشادی شلوار، معمولاً شلوارها شکل مخروطی داشتند. در روستاها، پوشیدن شلوار بدون دامن نیز رایج بود. زنان کشمیر که قبل از دیگر نواحی با مسلمانان ارتباط داشتند. اولین گروهی بودند که از پیشواز استفاده

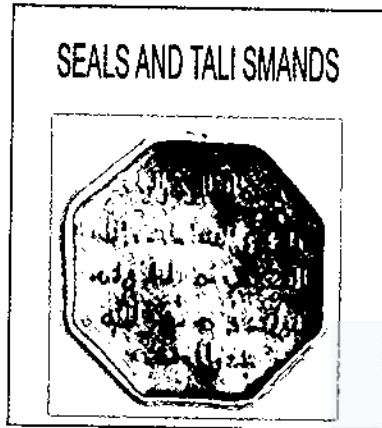
## SEALS AND TALISMAN

### مهرها و طلسم‌ها

by Ludvik Kalus, with a contribution by

J.M. Rogers

ISBN: 0-19-727611-3



مجموعه حاضر که به بررسی مهرها و طلسم‌ها می‌پردازد، از بزرگترین مجموعه‌ها در نوع خود در جهان است. این مهرها و طلسم‌ها به طور عمده مربوط به دوره‌های اسلامی و مربوط به نواحی ایران، عثمانی، اسپانیا و دوره مغول‌هاست.

در این مجلد، بخشی مربوط به مهرهای شخصی اوایل دوره‌های اسلامی است، بخشی دیگر در ارتباط با مجموعه‌هایی است از مهرهای مربوط به قرون ۱۵ و ۱۶ از نواحی ایران و ترکیه و بخش بزرگی نیز در ارتباط با مهرهای اداری مربوط به دوره قاجار است. در میان مهرهای قدیمی یک مهر کمیابی دیده می‌شود مربوط به یک گنجینه خصوصی با تاریخ ۷۵۰ - ۷۵۱ بعد از میلاد که در واقع مطابق با آخرین سال‌های حکومت مروان دوم است.

البته مهرهای سلطنتی مربوط به دوره‌های بعدی نیز نشان داده شده‌است که در میان آنها می‌توان به مهرهایی اشاره کرد. از جمله: مهر مربوط به اولین حاکم قره قویتلوها یعنی قره محمد (Qara Muhammad)، مهری مربوط به شاه طهماسب صفوی و شاه سلیمان و مهری مربوط به فتحعلی شاه قاجار. مجموعه حاضر از مقالات متعددی تشکیل می‌شود. مقالاتی در جهت بررسی و مرور روش‌ها و تکنیک‌هایی که در تهیه مهرهای اسلامی و طلسم‌ها و نحوه به کار بردن آنها در اوایل دوره اسلامی به کار می‌رفته است.

پروفیسور لودویک کالوس در بخش مطالعات عربی دانشگاه پاریس مشغول به تدریس می‌باشد. پروفیسور جی. ام. راجرز نیز در مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی لندن فعالیت دارد. کتاب حاضر، با جلدگالینگور و مصور با قیمت ۱۹۵ پوند منتشر شده است.

تزیین می‌شود. قسمت بالاتنه نیز به روش‌های گوناگون آراسته می‌شود.

- تیلک (Tilak)، در حقیقت نوعی پیشواز است که ترکیبی از نقوش و قسمت‌های مختلف با رنگ‌های گوناگون است. این لباس آوان، لباس مورد علاقه زنان مسلمان ناحیه بانی (Banni) از منطقه کوچ (Kutch) بوده است. این لباس همراه با شلوار پوشیده می‌شد و مدل یقه آن از نوع «یقه هفت» بوده است. (غرب هند، گجرات، اواخر قرن نوزدهم یا اوایل قرن بیستم).

- ابو (Abho)، نوعی پیشواز است که به صورت تدریجی از زیر بغل تا پایین لباس باز و گشاد می‌شود. برخلاف پیشواز در قسمت جلو و از زیر گردن فاقد دکمه یا هرگونه نوار و سجاف برای بستن است. (غرب هند، گجرات، اواخر قرن نوزدهم یا اوایل قرن بیستم).

- کورتا (Kurta)، ترکیبی از پیشواز و ابو است. به این ترتیب که در ناحیه زیر یقه دارای سجاف و دکمه است که گاهی نیز از نوار و روبان استفاده می‌شود و معمولاً مانند ابو از زیر آستین تا پایین به تدریج گشاد می‌شود (شمال هند (احتمالاً) هیمالچال پرادش، اوایل قرن بیستم).

- ژاکت صدری (Sadri Jacket)، برای پوشیدن روی لباس‌های دیگری مثل «ابو» یا «کورتا» استفاده می‌شده است (غرب هند، گجرات، قرن بیستم).

- بلوز میرزایی، نوعی دیگر از بلوزهای صدری است که دارای آستین‌های بلند و تا حدودی کوتاهتر از انواع دیگر است. احتمالاً قسمت پایین بلوز میرزایی دامنی بلند مانند پیشواز سراسر اندام را می‌پوشانیده است. (گجرات، قرن بیستم).

- پاجامه (پیژامه) مغولی (Mughalai Pajama)، که همراه با پیشواز پوشیده می‌شده است. (غرب هند، گجرات، قرن نوزدهم).

- بورکا (برقع) (Borga)، زنان مسلمان هند در حال حاضر از این نوع لباس استفاده می‌کنند. یک نوع آن مانند مانتوی رایج در ایران است که برای پوشاندن بدن استفاده می‌شود و در قسمت سر و صورت از نوعی مقنعه استفاده می‌شود که گاهی تمام صورت را با پارچه‌ای توری می‌پوشاند و در مواردی از قسمت زیر چشم تکه‌ای به آن اضافه می‌گردد.

در نوع دیگر لباس به طور سرتاسری از سر تا ناحیه مچ پا را می‌پوشاند و در قسمت بالا دارای چین است که از زیر قسمت کلاه بورکا شروع می‌شود. در ناحیه صورت این نوع بورکا دارای پارچه‌ای توری شکل به صورت آویخته است.

- شلوار کمیز (قمیص) (Shalwar Kameez)

این مدل از لباس در حال حاضر بسیار رایج است و به خاطر راحتی، همه زنان هند از آن استفاده می‌کنند و از سه قسمت شلوار، کمیز و دوپتا یا شال تشکیل شده است. کمیز (قمیص)، توئیک بلند آستین‌داری است که تا زانو می‌رسد و معمولاً در قسمت پایین گشاد و دو طرف آن چاک‌دار است. شال یا دوپتا (Dupatta) جزء لاینفک این نوع لباس است که معمولاً از جنس نخ یا ابریشم به ابعاد تقریبی ۳×۱ متر است.

نوع مختلف گردنبند، ۸ نوع گوشواره، ۱۲ نوع دستبند و خلیخال و علاوه بر آنها زیورآلاتی برای سر، کمر و انگشتان دست اشاره شده است.

در دوره مغول به علت تأثیر بسیار زیاد آنها بر فرهنگ هندی، لغات خارجی بسیاری وارد هند شده بود و اکبر شاه برای آنکه آداب مسلمانی را براساس سنت هندویی برقرار نماید، برای لغات، معادل‌سازی نمود. از جمله: برای جامه (Jama) یا کت، سرآب گاتی (Sarab) (gati) به معنی آنچه که تمام بدن را می‌پوشاند؛ برای آزار (Izar) یا شلوار، یار پیراهن (Yar Pairahan)، به معنای همراه پیراهن؛ برای نیم تنه (Nimtanah) یا ژاکت، تزییب (Tanzeb)، به معنای زینت بدن؛ برای فوته (Fautah) یا لنگ حمام مردان، پات گات (Pat Gat) به معنای محافظ تقوی؛ برای برقع (Burqa) یا روسری، چیتراگوپتا (Chitraqupita) به معنای پنهان‌کننده صورت؛ برای کلاه (Kulah)، سرسوبا (Sirsobha) به معنای شکوه و جلال سر؛ برای موی‌باف (Muibar) یا نوار مو، کشگان (Keshghan) به معنای آنچه باعث می‌شود مو فراوان دیده شود؛ برای پاتکا (Patka) یا لنگ، پاتزیب (Patzeb) به معنای زینت کمر؛ برای پای‌زر (Paizar) یا کفش، چران داران (Charan Dharan) به معنای حافظ پا و بسیاری از اسامی دیگر.

با ورود مسلمانان که اغلب آنها ایرانی بودند، ادبیات، محاورات روزمره، آداب اجتماعی و حتی آشپزی هندوها، تحت تأثیر قرار گرفت و افتخار افراد ادب‌دوست و با فضیلت در این بود که به سبک ایرانی لباس می‌پوشند.

اکبر، سالانه یازده هزار خیاط را برای دوختن لباس افراد خانواده‌اش به کار می‌گمارد و لباسی که امپراطور در روز تولدش می‌پوشید به قدری مجلل بود که یکسال دوختن و آراستن آن به طول می‌انجامید. انواع پارچه‌ها از مناطق مختلف از چین و مکه و یزد و خاش و اروپا و غیره وارد هند می‌شد، ضمن آنکه در جنوب هند پارچه‌هایی تولید می‌شد که مورد استفاده قرار می‌گرفت.

استفاده از شال نازکی که به روی دوش می‌انداختند به معنای پارسایی شخص بود و در این دوره نه تنها زنان بلکه مردان نیز از این نوع شال استفاده می‌کردند. در زمستان این شال‌ها برای پوشاندن سر نیز استفاده می‌شد.

### برخی از لباس‌های زنان هند در قرن نوزدهم:

- پیشواز (Peshwaz)، به عنوان لباس زنانه که در حقیقت برگرفته از نوعی لباس مردانه بود. واتسون (forbes Watson) در کتاب مستند خود در قرن نوزدهم درباره بعضی از لباس‌های مردم هند می‌نویسد: «پیشواز، نام لباس مسلمانان است که تا مچ پا می‌رسد و معمولاً از جنس نخ یا رنگ‌های مختلف است؛ قسمت بالایی کمر شبیه جامه (Jama) و قسمت پایین کمر تا جایی که امکان داشته باشد چین‌دار است و قسمت پایین دامن آن با نوار و والان‌های طلایی و یا نقره‌ای